

Element of loss in economic crimes; The link between the behavior and the outcome of the crime

*Abolfazl Mohammadalikhani*¹

*Hasan Alipour*²

*Mohammadreza Elahimanesh*³

Article type: A research paper extracted from a doctoral thesis

Received: 7/3/2022 Accepted: 1/7/2022

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.7/NO.2/(serial24)Summer 2022*133-152



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.99119

Abstract

The main challenge in economic crimes in Iran's criminal law is that they are not independent and original crimes, but in fact, economic crimes are the same as general crimes with two characteristics of instance and amount, and the legislature has identified economic crimes; Therefore, it is important to identify economic crimes from general crimes, so it is important to be able to determine with what characteristics a general and financial crime such as fraud is considered an economic crime; Therefore, in order to identify economic crimes and distinguish them from other crimes, in this article, from the two criteria of the element of loss and the largeness of the loss, according to the exemplary rule and the amount determined by the legislator in paragraph b, article 109 of the Islamic Penal Code and the note of article 36 of the Marqum Law. , we have taken advantage of it and first redefined the economic crime with a strategic approach and then recognized this crime from similar crimes and in the next step, the element of loss in economic crimes was analyzed and some practical examples of this crime were evaluated and finally, funds Its distinction with corruption has been investigated.

Key words: magnitude of loss, economic security, economic crimes, element of behavior, element of result

1. PhD student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, North Tehran branch, Tehran, Iran
abolfazlalikhani50@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author) Hassan. alipour@ut. a.c. ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, m. elahimanesh92@yahoo. com

عناصر ضرر در جرایم اقتصادی؛ پیوند رفتار و نتیجه جرم

ابوالفضل محمد علیخانی^۱

حسن عالی پور^۲

محمدرضا الهی منش^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هفتم/شماره ۲(پیاپی ۲۴) - تابستان ۱۴۰۱ * ۱۳۳-۱۵۲



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.99119

چکیده

چالش اصلی در جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران این است که جرایمی مستقل و اصیل نمی‌باشند بلکه درحقیقت، جرایم اقتصادی همان جرایم عمومی با دو ویژگی مصداقی و مبلغی هستند و مقنن به شناسایی جرایم اقتصادی پرداخته است؛ از این رو، شناسایی جرایم اقتصادی از جرایم عمومی از این رو حائز اهمیت می‌باشد که بتوان تعیین نمود که یک جرم عمومی و مالی مانند کلاهبرداری با چه ویژگی‌هایی جرم اقتصادی قلمداد می‌شود؛ بنابراین، برای شناسایی جرایم اقتصادی و تمیز آنها از سایر جرایم، در این مقاله، از دو معیار عنصر ضرر و کلان بودن ضرر با توجه به ضابطه مصداقی و مبلغی که مقنن در بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۳۶ قانون مرقوم تعیین نموده است، بهره برده‌ایم و ابتدا با رویکرد راهبردی به بازتعریف جرم اقتصادی پرداخته و سپس به بازشناسی این جرم از جرایم مشابه پرداخته شده است و در مرحله بعد، عنصر ضرر در جرایم اقتصادی تحلیل و برخی از مصداق‌های کاربردی این جرم مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، وجوه تمایز آن با فساد بررسی شده است.

واژگان کلیدی: کلان بودن ضرر، امنیت اقتصادی، جرایم اقتصادی، عنصر رفتار، عنصر نتیجه

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران، abolfazlalikhani50@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hassan_alipour@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران، m.elahimanesh92@yahoo.com

مقدمه

بزه اقتصادی هر رفتار غیرقانونی علیه اقتصاد را گویند و از آنجا که اقتصاد، حوزه‌ای گسترده از برنامه‌ها و فعالیت‌های یک جامعه را دربرمی‌گیرد، بزه اقتصادی بر پایه حوزه رفتار بزه، شناخته می‌شود نه بر پایه موضوع بزه؛ یعنی این امر در حوزه اقتصاد رخ داده و در بستر آن جای می‌گیرد. با این حال، می‌توان گفت که اقتصاد، خود، می‌تواند موضوع بزه باشد؛ به‌ویژه اگر بتوان گستره اقتصاد را در اینجا به اندازه اقتصاد ملی دید. در این حال، می‌توان گفت که بزه اقتصادی، بزه‌ای است که علیه اقتصاد ملی یا اقتصاد کشور رخ می‌دهد. همین تعریف نیز پویا و ناپذیرفتنی است؛ زیرا سنجه‌ای که بتوان بزه اقتصادی را تنها با اقتصاد کلان شناخت در دست نیست و برجسته‌تر آنکه، خود واژه "اقتصاد" بسیار چالش‌برانگیز است و افزودن بزه نیز به آن، بر پوشیدگی و چالش‌پذیری اش می‌افزاید.

با اذعان به دشواری تعریف جرایم اقتصادی و پراکندگی آن، برای شناخت این دسته از بزه‌ها سه معیار پیشنهاد شده است: نخست، معیار انگیزه‌های مرتکب که با توجه به آن، جرم اقتصادی هر رفتار غیرقانونی است که به انگیزه تحصیل منفعت اقتصادی صورت گیرد؛ دوم، معیار سودهای اقتصادی که با محوریت این معیار، جرم اقتصادی هر رفتار غیرقانونی است که مبتنی بر نقض گردش اقتصادی باشد؛ سوم، معیار فرآیند اقتصادی که طبق آن، فرآیندهایی که منجر به رفتار جنایی می‌گردد، هم‌سان با رفتارهایی هستند که نشانگر رفتار مصرف‌کننده در فروشگاه‌ها است (Dressler, 2002:58)؛ از این رو، برخی کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که به جای ارائه یک تعریف مشخص از این جرایم، به ارائه یک دسته‌بندی از این جرایم بسنده کنند. در این راستا، به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۸۱، کمیته وزیران شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره ۱۲(۸۱) R، شانزده جرم را در رسته جرایم اقتصادی قرار داده است که عبارتند از: تقلب و سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی توسط شرکت‌های چند ملیتی، دریافت متقلبانه پول از دولت یا سازمان‌های بین‌المللی، جرایم رایانه‌ای، تأسیس شرکت‌های موهوم، جعل و تقلب در بیلان شرکت‌ها، تقلب در زمینه سرمایه شرکت‌ها، نقض هنجارهای امنیت و سلامت کارکنان توسط شرکت‌ها، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده، رقابت مکارانه، تبلیغات دروغ، جرایم مالیاتی، جرایم گمرکی، جرایم بورس و بانکی، جرایم علیه محیط‌زیست، جرایم علیه رقابت سالم اقتصادی چون ایجاد کارتل‌ها و تراست‌ها و ... بدین ترتیب، منصرف از موضوع جرایم اقتصادی، که مبهم و موسع است، تنها ویژگی برجسته جرایم اقتصادی که بتوان آنها را از دیگر جرایم بازشناخت، کلان بودن آنها است؛ از این رو، می‌توان گفت

که جرایم اقتصادی به دسته‌ای از رفتارهای غیرقانونی گفته می‌شود که موضوع آنها امنیت اقتصادی در سطح کلان است.

باز تعریف جرم اقتصادی

در خصوص جرایم اقتصادی، تعریف‌های متفاوتی از منظرهای گوناگونی توسط نویسندگان این حوزه بیان شده است. برخی معتقدند که جرایم اقتصادی به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که موجبات زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف را فراهم می‌سازد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷۱). در تعریف دیگر، جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که نوعاً با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی ارتکاب می‌یابد و نتیجه بالقوه یا بالفعل آن، اخلال در نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی و ...) است (توسلی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴). عده‌ای نیز بر این باورند که مقررات کیفی نشان می‌دهد که مراد قانون‌گذار از جرایم اقتصادی، جرایمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت مالی و پولی، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز اخذ رشوه، اخذ کمیسیون و اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگری ارتکاب می‌یابد. طبق این تعریف، جرایمی مانند اختلاس، ارتشاء، قاچاق و خرید و فروش کالای ممنوع، احتکار و عضویت در شرکت‌های هرمی نیز در دایره شمول جرایم اقتصادی قرار می‌گیرند (فرجی‌ها، مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۶). برخی نیز معتقدند که حوزه کیفی کسب و کار، اعم از حقوق کیفی اقتصادی و حقوق کیفی مالی است (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۳).

در سطح بین‌المللی هم تعریف‌های متفاوتی از جرایم اقتصادی ارائه شده است. جرم اقتصادی، به‌ویژه در ادبیات حقوق فرانسه با عنوان "جرایم حوزه کسب و کار" مطرح شده است و منظور از آن نیز مجموعه قواعد ناظر به تضمین امنیت معامله و تلاش برای حاکم کردن قانون به‌ویژه نسبت به اشخاص است که گاه تمایل به نقض آن دارند یا در پاره‌ای موارد، جرایمی هستند مربوط به حوزه تولید، توزیع و مصرف (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۷ - ۱۷۴). یکی از نویسندگان جرم اقتصادی را اقدام مجرمانه‌ای دانسته است که ضمن لطمه به اصل اعتماد، نظم جاری حوزه کسب و کار را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (Dragan Bunic, 1999, p. 18). نیکولا کلو حقوقدان و جرم‌شناس سوئسی، جرم اقتصادی را یک مفهوم عمومی می‌داند که مجموعه‌ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط تجاری و کسب و کار در یک جامعه را شامل می‌شود و معمولاً در چارچوب فعالیت حرفه‌ای، شرکت یا مدیریت آن ارتکاب می‌یابد (Queloz, 1999, p. 17). در

تعریف دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که علیه قواعد رقابت تجاری و تعیین قیمت‌ها صورت گیرد، جرم اقتصادی است (محمود داود، ۲۰۰۱: ۲۰).

ماورای این دیدگاه‌ها باید خاطر نشان ساخت که برای شناسایی جرایم اقتصادی، از دو بعد می‌توان موضوع را مورد بررسی قرار داد: بعد ارزش‌محور و بعد سطح‌محور. بر اساس معیارهای بیان‌شده، جرایم اقتصادی را از سه منظر می‌توان تعریف کرد:

۱. ارزش یا موضوع؛ که بر اساس آن، جرم اقتصادی رفتار غیرقانونی علیه اقتصاد است. در این تعریف، اقتصاد به‌عنوان یک ارزش یا موضوع دیده می‌شود که بخشی جداناپذیر از یک جامعه است که رفاه و پیشرفت‌های مادی و دنیوی آن را فراهم می‌کند؛ بنابراین، اقتصاد به‌عنوان یک موضوع است و اغلب در این مفهوم هم واژه امنیت اقتصادی به کار می‌رود که به‌عنوان جزء یا مولفه‌ای از امنیت ملی تلقی می‌شود. از آنجا که در کشور ما اقتصاد، امری دولتی است، همیشه این طرز تلقی وجود دارد که در اقتصاد، امنیت اقتصادی، بخشی از امنیت ملی است و اگر تهدید شود، امنیت ملی تهدید می‌شود؛ به همین دلیل، بحث امنیت‌گرایی در ارتباط با مفهوم اقتصاد مطرح می‌شود و در واقع، اقتصاد به‌عنوان یک مولفه‌ای از قوام یا امنیت جامعه تلقی می‌شود و گاه دیده می‌شود که بخش بزرگی از این جرایم اقتصادی، از جرایم امنیت ملی هم تلقی می‌شوند.

۲. حوزه فعالیت؛ که بر اساس آن، جرم اقتصادی رفتاری غیرقانونی است که در حوزه اقتصاد برای ارتباط با فعالیت اقتصادی رخ می‌دهد. در این تعریف، حقوق کیفری، چهره حمایتی دارد و همانی است که حقوق کیفری اقتصادی از آن حمایت می‌کند؛ اقتصاد و یا هنجارهای اقتصادی. بنابراین، می‌توان گفت که اقتصاد یک حوزه است از حوزه‌های جامعه در کنار حوزه‌های فرهنگ، سیاست و حوزه امنیت اجتماعی. این تعریف، به اقتصاد نگاهی آزاد دارد و اقتصاد هم به‌عنوان بخشی از بخش‌های جامعه در کنار حوزه‌های دیگر کشور است که در آن، جرایم واقع می‌شود و به آن آسیب وارد می‌کند.

۳. ارزش مبلغ موضوع یا سطح جرم؛ که بر اساس آن جرم اقتصادی، همان جرایم مالی است که در سطح کلان و با رقم بالا ارتکاب می‌یابد. در این ملاک، جرم اقتصادی با دو ویژگی مصداقی و مبلغی بیان شده‌است. برخی از مصداق‌ها (مانند کلاهبرداری با مبلغ بیش از یک میلیارد ریال) جرم اقتصادی‌اند ولی برخی دیگر (مانند خیانت در امانت و سرقت هر چند کلان و بیش از یک میلیارد ریال باشد) جرم اقتصادی نیستند (محمد علیخانی، ۱۴۰۰: ۲۰۲). قانون‌گذار در بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی از معیار سوم که با دو ویژگی مصداقی و مبلغی بیان شده‌است، جرایم

اقتصادی را شناسایی نموده است و با تعیین نصاب ریالی یک میلیارد ریال یا بیش از آن در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، جرایم ۱۲ گانه فهرست شده را جرم اقتصادی دانسته است.

بازشناسی جرم اقتصادی از عناوین مشابه

۱. جرم اقتصادی، جرم مالی و جرم علیه اموال

جرم مالی عنوانی است که چندان در قوانین کیفری پر کاربرد نیست؛ هر چند که این عنوان در قانون پاکسازی ادارات مصوب ۱۳۶۱ نام برده شده است اما اصطلاحی است که بیشتر در رویکرد دانشگاهی و قضایی یاد می شود. جرم مالی را باید ابتدا از جرایم علیه اموال تفکیک کرد. وقتی از جرایم علیه اموال صحبت می شود، به طور مشخص، موضوع و ارزش مورد ملاک است. دسته بندی جرایم در اصل، به دو صورت است: به اعتبار ارزش مورد نظر؛ یعنی چه ارزشی توسط مرتکب نادیده گرفته می شود و اینکه قانون گذار از چه ارزشی حمایت می کند که در این دسته بندی ها از "ضد یا علیه" استفاده می کند که نشان می دهد یک سلسله جرایمی است علیه ارزشی که قانون گذار از آنها حمایت می کند؛ مانند جرایم علیه حریم خصوصی یا جرایم علیه امنیت. جرایم علیه اموال، علیه علقه مالکیت اشخاص محقق می شوند و این علقه مالکیت ارزشی است که مورد حمایت کیفری قرار می گیرد؛ بنابراین، جرایم علیه اموال، جرایم علیه رابطه مالکیت میان انسان و مالش یا دارایی اش است و فرقی نمی کند که این دارایی دارای ارزش مالی همگانی باشد و یا ارزش مالی فردی. به همین دلیل، ماشین، خانه و عکس یادگاری مال محسوب می شوند. ولی جرم مالی فراتر از جرایم علیه اموال است و مفهومی عام تر از آن دارد؛ یعنی جرم مالی ناظر به جرایمی است که هم علیه مال و هم مرتبط با مال است و از این رو، شامل جرایمی است که مال هم موضوع جرم است و هم وسیله جرم. ولی جرم اقتصادی در مقایسه با جرم مالی دو ویژگی دارد: اول اینکه، جرایم اقتصادی همان جرایم مالی هستند که در سطح کلان رخ می دهند و شامل جرایم مالی خرد نمی شوند و دوم اینکه، در جرم مالی، مال موضوع یا وسیله جرم است؛ در حالی که در جرایم اقتصادی، مال لزوماً محوریت ندارد بلکه فعالیت ها و برنامه ها نیز موضوعیت دارند؛ بنابراین، در جرایم اقتصادی، اخلال در نظام تولید و یا توزیع و یا در ارتباط با صادرات و واردات اختلال گسترده ایجاد می شود.

۲. جرم اقتصادی و فساد

جرم اقتصادی به طور اجتناب ناپذیری با فساد مرتبط است که البته صدمه مستقیمی به سلامت حکومت و نهادهای آن است. ارتکاب بسیاری از اشکال جرم اقتصادی مستلزم سطوحی از فساد

مقامات رسمی است (lindgrensven, ۲۰۰۱: ۱۲۸).

میان فساد و جرم اقتصادی، هم‌پوشانی گسترده‌ای وجود دارد. در بادی امر، فساد بیشتر ناظر به بخش دولتی است و اساساً در کشورهایمانند ایران، مصادیق فساد به بخش دولتی و عمومی منحصر است؛ ولی جرم اقتصادی علاوه بر دیگر مصادیق مجرمانه، به جرایم در سطح فعالیت‌های دولتی و اداری نیز تسری دارد. همچنین، جرم اقتصادی به رفتارهای غیرقانونی علیه امنیت اقتصادی در سطح کلان اطلاق می‌شود، ولی فساد نه تنها به سطح کلان تسری دارد بلکه به رفتارهای غیرقانونی خرد نیز نظر دارد. به بیان دیگر، ضرر در جرایم اقتصادی، از جنس ضرر برای جمع است اما فساد شامل امور جزئی مانند تخلف از مقررات و یا رشوه یا اختلاس‌های جزئی هم می‌شود و همه اینها در کنار هم فساد تلقی می‌شود؛ از این رو، جرم اقتصادی در سطح کلان رخ می‌دهد و ارتشاء و کلاهبرداری‌های خرد را در بر نمی‌گیرد؛ در حالی که فساد شامل این موارد می‌گردد. همچنین، فساد به پیامدهای جرایم اشاره می‌کند و یک جرم اصیل نیست و به رفتارهای مشخصی فساد گفته نمی‌شود بلکه فساد پیامد رفتارهای دیگر است؛ به همین علت، واژه فساد به خاطر این پیامدها و اثرات ناگوار آن است که در جامعه به "فساد" مشهور است؛ بنابراین، فساد پیامد منفی برای جمع است در حالی که در جرایم اقتصادی، جامعه از رفتار جرم آسیب می‌بیند و ضرری کلان یا کلی متوجه آن می‌شود. از سوی دیگر، جرایم اقتصادی متشکل از همان جرایم عمومی یا مالی و در سطح کلان می‌باشند؛ از این رو، در جرایم اقتصادی، بیشتر ضرر مالی جامعه در سطح کلان مد نظر می‌باشد در حالی که در فساد، ضرر به ابعاد معنوی جامعه می‌رسد؛ به گونه‌ای که شهروندان جامعه را به سمت بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی سوق می‌دهد؛ بنابراین، در جرایم اقتصادی، ضرر به اقتصاد و در فساد پیامدهای منفی مطرح می‌شود (محمد علیخانی، ۱۴۰۰: ۲۳۵).

۳. جرم اقتصادی و جرم بازرگانی

به‌طور مشخص، بخش اصلی اقتصاد، بازرگانی و تجارت است؛ به‌ویژه در کشورهای که از اقتصاد باز برخوردارند، تجارت و بازرگانی، شاکله اقتصاد را تشکیل می‌دهد؛ اما در کشورهایی که اقتصاد در دست دولت دارند، مرز جرم بازرگانی از جرم اقتصادی مشخص است. جرم بازرگانی و جرم تجاری، جرمی است که مرتکب آن بازرگان و یا تاجر است و به بیان دیگر، جرمی است که در حوزه تجارت توسط خود بازرگان یا متصدی رخ می‌دهد ولی جرم اقتصادی یک مفهوم عام دارد که هم بازرگان و هم افراد عادی و هم اشخاص دولت می‌توانند مرتکب آن شوند. همچنین، جرم بازرگانی می‌تواند در سطح خرد و کوچک رخ دهد ولی جرم اقتصادی به جرایم ارتكابی در سطح کلان گفته می‌شود.

۴. جرم اقتصادی و جرم سازمان یافته

جرم سازمان یافته به جرمی گفته می شود که در قالب سازمان یافتگی و با انگیزه های مالی از طرف گروهی متشکل بیش از دو نفر ارتکاب می یابد. در این جرم "شیوه" ارتکاب که همان سازمان یافتگی است، ملاک قرار می گیرد و نه ماهیت جرم. در نگاه حقوق کیفری، جرایم سازمان یافته تنها یک ویژگی برجسته دارد و آن شیوه انجام برنامه ریزی شده آن است. این نکته نشان می دهد که این دسته از بزه ها در مقایسه با دیگر جرایم، دسته ای جدید نیستند و هر بزه عمدی را می توان به طور سازمان یافته انجام داد (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷)؛ در حالی که جرم اقتصادی ناظر به جرایم رفتار (جرم) محور است؛ بنابراین، جرم اقتصادی می تواند هم به شیوه سازمان یافته تحقق یابد و هم غیر آن.

۵. جرم اقتصادی و جرم یقه سفید

جرم یقه سفید یا جرایم یقه سفید مرتکب محور است؛ یعنی ویژگی یقه سفیدی دارد و این اصطلاحی است که نخستین بار، در فرهنگ کشور آمریکا و در مقابل یقه آبی یا یقه چرکین که جرایم خیابانی و علنی را انجام می دادند، به کار گرفته شد. یقه سفیدان کسانی هستند که در ظاهر، از هنجار پذیری بالایی در جامعه برخوردار می باشند و به جامعه و هنجارهای آن احترام می گذارند اما خطرناکی آنها نیز بالاتر است؛ بنابراین، مجرمین یقه سفید می توانند به راحتی مرتکب جرم اقتصادی شوند. تفاوت جرم اقتصادی با جرم یقه سفید در این است که جرم اقتصادی رویکرد جرم (رفتار) محور دارد؛ در حالی که جرم یقه سفید مجرم (مرتکب) محور است.

عنصر ضرر در جرایم اقتصادی

«در شناسایی جرم اقتصادی، چه نوع ضرری ملاک است؟» برای پاسخ به سوال مطرح شده، ذکر دو مقدمه ضرورت دارد. اول اینکه، همان طور که بیان شد، قانون گذار ما برای شناسایی جرایم اقتصادی در مواد ۱۰۹ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی از دو ویژگی مصداقی و مبلغی بهره برده است؛ بنابراین، آنچه ملاک جرایم اقتصادی می باشد، مصداقی بیان شده در تبصره ماده ۳۶ قانون مذکور با حد نصاب ریالی قانون می باشد. دوم اینکه، جرایم اقتصادی در قانون ما جرایم اصلی و مستقل نمی باشد بلکه همان جرایم عمومی مانند کلاهبرداری و اختلاس و ... می باشد که ضرر فردی یا شخصی در آنها محوریت دارد؛ اما چنانچه به صورت جمعی و کلان رخ دهد، جرم اقتصادی را شکل می دهند؛ از این رو، در شناسایی جرایم اقتصادی، گسترده و کلان بودن ضرر ملاک قرار می گیرد. به بیان دیگر، قانون گذار در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در حد افساد فی الارض که

همانند جرم اقتصادی یک جرم اصیل نیست و از مجموعه‌ای از جرایم تعزیری تشکیل شده است، از ملاک "گسترده‌گی" و "ورود خسارت عمده" بهره برده است؛ بنابراین، در جرایم اقتصادی هم، همین گسترده‌گی و ورود ضرر عمده به جامعه را می‌توان ملاک تشخیص جرایم اقتصادی اعلام کرد. در سطح کلان، به‌طور کلی، جرایم اقتصادی و مالی، تأثیر منفی قابل توجهی بر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور بر جای می‌گذارد و موجب افزایش هزینه‌های کسب و کار، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت، افزایش فقر و بیکاری، تجمع قدرت اقتصادی و مالی در دست مجرمان و به‌دنبال آن، تضعیف اقتصاد ملی و سیستم‌های دموکراسی می‌شود (Theophilus, 2009: 15-16). در بسیاری از موارد، همان جرایم سنتی مانند جرایم مالی، جرایم ارزی، جرایم گمرکی و جرایم مالیاتی هستند، اما با شرط کلان بودن در برخی شیوه‌ها و حالات ارتکاب، ممکن است به اقتصاد ملی یا بخشی از آن صدمه وارد کنند و به‌عنوان جرم اقتصادی توجیه‌پذیر شوند (حطمی، ۱۴۰۰: ۴۲). جرایم اقتصادی ضمن آسیب رساندن به نظام اقتصادی کشور و جلوگیری از پیشرفت و توسعه، موجب از دست رفتن اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کشور می‌شود (همان، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۱۴).

ویژگی کلان بودن به سه حالت مختلف متبلور می‌گردد؛ در حالت نخست که مهم‌ترین آنها است، عواید جرم با موضوعی که جرم علیه آن واقع شده است، از یک رقم تعیین شده قانونی فراتر است. در حالت دوم، رفتار فیزیکی ضرر در مکان‌های مختلف ارتکاب می‌یابد مانند اینکه شخص در چندین شهر یا استان مبادرت به توزیع اسکناس جعلی نماید یا به مراجع مختلف یا اشخاص گوناگون مبادرت به گران‌فروشی کند. در حالت سوم، آثار یا عواقب جرم به اندازه‌ای شایع و گسترده باشد که عملاً زندگی مردم را مختل و امنیت اقتصادی را با تهدید مواجه سازد؛ مانند اینکه در یک کشور مبتنی بر رابطه و انحصار، شخصی که انحصار واردات شکر را در اختیار دارد، این محصول را احتکار نماید؛ که اثر آن، اختلال در زندگی عمومی، تهدید نیازهای اساسی مردم و بی‌هنجاری در اقتصاد خواهد بود. بهترین روش تعیین کلان بودن یک جرم، همان تعیین قانونی یک مبلغ معین است؛ در غیر این صورت، معیارهای دیگر به شدت نسبی و سلیقه‌ای هستند و سبب می‌گردد تا در عمل، یک قاضی، رفتاری را جرم اقتصادی بداند و یک قاضی دیگر همان رفتار را جرم اقتصادی نداند (نورزاده، ۱۳۸۹: ۶۸).

سنجش ضرر در مصداق‌های جرایم اقتصادی

۱. کلاهبرداری

کلاهبرداری به‌عنوان یک جرم اقتصادی عبارت است از بردن مال دیگری (اعم از اینکه شخص حقیقی باشد یا حقوقی) بیش از یک میلیارد ریال از راه حیله و تقلب؛ بنابراین، یکی از شاخص‌های جرایم اقتصادی در این مورد این است که شخص از راه حیله و تقلب مال دیگری را می‌برد و تفاوتی ندارد که شخص حقوقی باشد یا حقیقی و یا شخص بخش خصوصی باشد یا بخش دولتی و در هر حال جرم اقتصادی شکل می‌گیرد به اعتبار مبلغ که باید بیش از یک میلیارد ریال باشد.

ضرر در کلاهبرداری به‌عنوان یک جرم مالی و با رقم کمتر از نصاب ماده ۳۶ از نوع مالی و محرومیت مالک و صاحب مال از مالش می‌باشد که مرتکب با ارتکاب جرم کلاهبرداری مالی را از ید و سلطه صاحب مال خارج می‌کند؛ از این رو، ضرر در این جرم یک ضرر واقعی می‌باشد. کلاهبرداری، به‌عنوان یک جرم اقتصادی با توجه به نصاب ریالی بیان‌شده، واجد ضرر برای جامعه می‌باشد؛ بنابراین، ضرر در جرایم اقتصادی، ضرر جامعه و جمع ملاک می‌باشد.

۲. رشاء و ارتشاء

به‌معنای دادن مال به کارمند عمومی جهت انجام یا خودداری از انجام کار و گرفتن مال از سوی کارمند عمومی جهت انجام یا خودداری از انجام کار می‌باشد. دومین مصداق از جرایم اقتصادی در روابط اداری معنا پیدا می‌کند و از لحاظ ارتکاب در بالاترین درجه فساد و جرایم اقتصادی جای می‌گیرد که در عین حال که خطرناک هستند، شایع نیز می‌باشند. رشاء و ارتشاء از این جهت رواج پیدا می‌کند و چون ذات و ماهیت هر دو جرم مبتنی بر رضایت طرفین است، جایی که رضایت باشد، نمی‌توان قائل به ضرر شد. اما به‌عنوان جرم اقتصادی، این طور به نظر می‌رسد که شخص برای انجام یک کار اداری وقت‌گیر، از طریق ارائه هزینه از اتلاف وقت پیشگیری می‌نماید و ظاهراً مشکل‌گشا است اما در اصل باعث می‌شود که انسجامی در جامعه نباشد و همه کارها، فردی پیش برود و هر شهروند به فکر کار خود باشد و دیگر به اجتماع و انسجام جامعه فکر نکند. ایجاد این شرایط قانون‌گذار را قانع کرد که با وجود اینکه رشاء و ارتشاء مصداق فساد هستند، ولی می‌توانند به‌عنوان جرم اقتصادی هم تلقی شوند؛ بنابراین، ضرر در این جرم از منظر جرم اقتصادی از بین رفتن انسجام اجتماع و بهداشت و سلامت اداری جامعه است.

۳. اختلاس

اختلاس عبارت است از برداشت و تصاحب مال سپرده‌شده توسط کارمند دولتی یا عمومی که

برحسب وظیفه در اختیار وی بوده است. در صورتی که مبلغ اختلاس بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم اقتصادی تلقی می‌گردد؛ از این رو، این مبلغ به اعتبار میزان مالی که توسط کارمند دولتی یا عمومی برداشت و تصاحب می‌شود، جرم اقتصادی محسوب می‌گردد. اختلاس در زمره جرایمی است که نسبت به مال و اسناد مالی مصداق پیدا می‌کند. اختلاس به عنوان جرم اقتصادی لزوماً مال دولت نیست و موضوع اختلاس ممکن است که اموال دولت یا بخش عمومی باشد و یا اموال شخص حقیقی در نزد دولت مانند کلیه وجوه یا اموالی که شهروندان به بانک ملی سپرده‌اند و برداشتن این اموال، برداشت اموال دولتی تلقی نمی‌شود و در زمره اموالی است که مال اشخاص است و چون رابطه امانی بین اموال دولت و اموال مردم برقرار شده و دولت این اموال را به کارمندان خود سپرده‌است، پس آن هم اختلاس محسوب می‌شود. ضرر در جرم اختلاس یک ضرر واقعی می‌باشد؛ به نحوی که موجب محرومیت دولت یا صاحب مال از مال خود می‌شود و این محرومیت مصداق یک ضرر واقعی می‌باشد و در بعد اقتصادی، به لحاظ کلان و عمده بودن مال در بزه اختلاس، ضرری که ناشی از تصاحب مال به اجتماع وارد می‌شود، به عنوان ضرر اختلاس اقتصادی به شمار می‌رود و محرومیت اجتماع از بهره‌مندی از اموال دولتی یا عمومی، ضرر این جرم با وصف اقتصادی آن می‌باشد.

۴. پول شویی

به موجب بند ذ تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، پول شویی در معنای ساده، عبارت از فرآیند قانونی جلوه دادن عواید حاصل از جرایم مالی و اقتصادی با انجام اقدامات و فعالیت‌های مجاز مالی و تجاری است. سودآور بودن پول شویی آن را در ردیف مهم‌ترین جرایم مالی و اقتصادی قرار داده است؛ به طوری که گاهی جرم مزبور به جهت گستردگی منافعش به خصوص در سطح فراملی به لحاظ اخلال در نظام اقتصادی در ردیف جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی و به دلیل ضرر زدن به اهداف استقلال طلبانه و مساوات جویانه دولت، در ذیل جرایم علیه امنیت ملی قرار می‌گیرد. جرم پول شویی با توجه به بیان رویکردهای عام و به لحاظ گستردگی سودآور بودن آن، به عنوان یک جرم اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد؛ به طوری که به لحاظ گره خوردن به امنیت، امنیت اقتصادی را برهم می‌زند و جامعه و عموم مردم از رهگذر آن دچار اضرار می‌شوند و متضرر شدن جامعه، یک نتیجه قطعی می‌باشد و به هر حال، پول شویی به لحاظ اثرات زیان بار بر چرخه اقتصادی سالم موجب تضرر جامعه می‌شود.

۵. اعمال نفوذ برخلاف حق

اعمال نفوذ برخلاف حق به موجب بند پ تبصره ماده ۳۶ قانون بیان شده یک جرم اقتصادی می باشد که به چهار دسته تقسیم می گردد:

الف. اعمال نفوذ عام: عبارت است از دریافت مال یا گرفتن وعده یا تعهد از کسی به دعوی اعتبارات و نفوذ در نزد کارمند بخش عمومی یا دولتی. گرفتن مال بیش از یک میلیارد ریال در ازای اعمال نفوذ بی آنکه لازم به اعمال نفوذ باشد، جرم اقتصادی خواهد بود و صرف وعده یا تعهد - حتی اگر مال مورد دعوی یا تعهد بیش از یک میلیارد باشد - فقط اعمال نفوذ است.

ب. اعمال نفوذ بر اساس روابط خصوصی: عبارت است از سوءاستفاده از روابط خصوصی در کارهای اداری کارمند بخش دولتی یا عمومی به نفع یا ضرر کسی. در اینجا قانون گذار به روابط خصوصی بر اساس این اعتبار توجه می کند بی آنکه مالی تحویل شود یا تحویل نشود و همین که شخص از روابط خصوصی سوءاستفاده می کند و توصیه می کند، جرم محقق شده است.

ج. اعمال نفوذ در نزد مراجع مربوطه: عبارت است از دریافت مال توسط وکیل از موکل به دعوی اعتبار و نفوذ در نزد مراجع مربوطه؛ به عنوان اینکه وجه یا مالی را به آن مرجع پرداخت می کند یا قبول کردن وعده آن. چنانچه وکیل به موکل خود بگوید که در نزد مقامات قضایی یا کارشناسان یا داوران نفوذ و اعتباری دارد و به این منظور که نظر آنها را جلب کند، مبلغی از موکل خود بگیرد و یا وعده یا تعهد اخذ وجه از موکل خود بگیرد. چنین وکیلی مرتکب اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی شده است. در اعمال نفوذ از جانب وکیل، حتی اگر بخشی از پول را به اشخاص مربوطه بدهد یا ندهد، بزه مذکور محقق می گردد و صرف دریافت پول از موکل، خود، باعث اعمال نفوذ برخلاف حق از طرف وکیل است و چنانچه دریافت مبلغ توسط وکیل از موکل خود بیش از یک میلیارد ریال باشد، وکیل هم مجرم اقتصادی تلقی می گردد.

د. نفوذپذیری کارمند دولتی: عبارت است از تأثیر دادن نفوذ اشخاص از سوی مستخدمین دولتی و عمومی در اقدامات یا تمهیدات اداری.

از چهار حالت بیان شده، فقط بند الف و بند ج که در آن مالی رد و بدل می شود، در صورتی که بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم اقتصادی تلقی می شوند و حالت های دیگر، اعمال نفوذ جرم اقتصادی نمی باشند؛ از این رو، اعمال نفوذ به عنوان جرم اقتصادی، یک جرم مقید به نتیجه و تحصیل مال است و اعمال نفوذ بندهای ب و د چون مالی تحصیل نمی شود یک جرم مطلق می باشند. در نتیجه، ضرر در اعمال نفوذ به عنوان یک جرم اقتصادی، ضرر مالی است که در نتیجه به کاربردن آن ایجاد

می‌گردد و عمده و گسترده بودن آن به عنوان اضرار جامعه مد نظر قرار می‌گیرد.

۶. پورسانت یا درصدانه

اخذ پورسانت در معاملات خارجی طبق بند ج ماده تبصره ماده ۳۶ قانون دارای سه ویژگی می‌باشد:

۱. از جانب مأموران و کارمندان دولتی و عمومی غیردولتی و نظامی ارتکاب می‌یابد و در بخش خصوصی مصداق ندارد؛
۲. شرط معاملات خارجی در این جرم است که منظور از معاملات خارجی آن است که یک شخص حقیقی یا حقوقی خارجی، اعم از اینکه خصوصی باشد یا دولتی و خواه یک سازمان متعلق به دولت بیگانه باشد یا یک سازمان بین‌المللی یا یکی از نهادهای دولتی یا عمومی یا نظامی معامله کند؛
۳. پورسانت یا درصدانه به معنای هر مالی اعم از وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا امتیاز مالی یا تسلیم مالی است که از جهت قیمتی قابل سنجش با معیار مبلغی جرم اقتصادی باشد؛ بنابراین، اخذ پورسانت در ضمن معامله خارجی از طرف خارجی اگر بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم اقتصادی خواهد بود؛ مشروط به اینکه دریافت‌کننده پورسانت، خود دولت نباشد که در این صورت جرم نخواهد بود.

ضرر در اخذ پورسانت در معاملات دولتی، ضرری است که در نتیجه دریافت آن، منافع دولتی در معاملات خارجی نادیده گرفته می‌شود و از رهگذر اخذ پورسانت، منافعی که باید به کشور برسد، محقق نمی‌گردد. عدم تحقق منافع کشور چنانچه با نصاب ریالی ماده قانونی محقق گردد، جرم اقتصادی را شکل می‌دهد.

۷. قاچاق

مقنن در بند خ تبصره ماده ۳۶ قاچاق کالا و ارز را به عنوان مصداق جرم اقتصادی معرفی نموده است. قاچاق کالا عبارت است از نقل و انتقال‌های مخفیانه کالاها از خارج به داخل و از داخل به خارج از کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوطه (محمدعلیخانی، ۱۳۹۴: ۲۳). به بیان دیگر، چنانچه در ورود و خروج کالا و ارز تشریفات گمرکی رعایت نشود، قاچاق شکل می‌گیرد. در واقع، قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر دادوستد کالاها را دور می‌زند و اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به هدف‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاقیان با ارتکاب قاچاق کالا، بدون پرداخت حقوق گمرکی دولت به حقوق تمامی افراد جامعه تجاوز می‌کنند و موجب بروز اختلال در اقتصاد ملی و جامعه می‌شوند. آنها در مقابل خروج کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به ورود کالاهایی می‌کنند که منجر به تهاجم شدیدی علیه تولیدکنندگان داخلی می‌شوند.

ضرر در جرم قاچاق کالا و ارز در کشور ما بسیار ملموس می‌باشد؛ به نوعی که هم هزینه‌های تولید و هم هزینه‌های زندگی مردم را افزایش داده‌است. به یقین، قاچاق کالا یکی از مصداق‌های جرم اقتصادی در کشور ما می‌باشد؛ به نحوی که امنیت اقتصادی را به شدت به خطر انداخته است.

ارزیابی رویه قضایی

رویه قضایی با عنایت به اینکه مصادیق جرایم اقتصادی، خود، قبل از این عنوان، جرایم اصلی در حوزه حقوق کیفری ایران می‌باشند، به این ویژگی جرایم مذکور چندان توجهی ندارد و در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به مصادیق جرایم اقتصادی با همان رویکرد اصلی خود، به تحلیل و ارزیابی پرونده می‌پردازد؛ به عنوان مثال، در بزه کلاهبرداری که یک جرم شایع مالی در حقوق کیفری ما می‌باشد، با عنایت به ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، با مبلغ بیش از یک میلیارد ریال، جرم اقتصادی تلقی می‌شود؛ هر چند که در رویه قضایی گاه به اشتباه این تصور وجود دارد که قانون‌گذار در بند ۱۰۹ ماده ۱۰۹ کلاهبرداری را به طور مطلق به عنوان یک جرم اقتصادی تلقی کرده‌است و واژه با رعایت مبلغ ناظر به مصداق‌هایی است که در تبصره ماده ۳۶ پیش‌بینی شده‌است؛ ولی این دیدگاه چندان درست نیست؛ زیرا نخست، جرم کلاهبرداری خرد و جزء زیر یک میلیارد ریال، دلیلی ندارد که به عنوان جرم اقتصادی تلقی شود؛ چرا که با شاخص‌های جرایم اقتصادی هم‌خوانی ندارد. دوم اینکه، مبلغی که در بند ب عطف شده‌است هم به جرایم تبصره ماده ۳۶ عطف شده و هم به کلاهبرداری و "واو عطف" بین این دو دسته از جرایم کاملاً نشان می‌دهد که با ملاک مبلغ است که جرم اقتصادی تلقی می‌شود و مشخص است که چون کلاهبرداری در تبصره ماده ۳۶ پیش‌بینی نشده‌است، قانون‌گذار به طور مشخص، به کلاهبرداری در کنار سایر جرایم اشاره نکرده‌است و گرنه به کلاهبرداری اشاره می‌کرد و این سبب نمی‌شود که کلاهبرداری را به طور مطلق و با هر مبلغی جرم اقتصادی تلقی کنیم.

رویه قضایی در صدور رأی نسبت به جرایم بالاتر از یک میلیارد و پایین‌تر از این مبلغ در مصادیق تعیینی تفاوتی قائل نیست؛ به عنوان نمونه، در دادنامه به شماره^۱ ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۲۴۱۸

۱. تجدیدنظرخواهی... نسبت به دادنامه به شماره ۵۹۱ مورخ ۹۹/۰۴/۲۹ ناظر به دادنامه غیابی به شماره ۱۲۸ مورخ ۹۹/۰۲/۱۳ صادره از شعبه ۱۱۶۹ دادگاه کیفری ۲ تهران که در رابطه با شکایت... بطرفیت وی داتر بر کلاهبرداری به مبلغ یک میلیارد و سیصد میلیون ریال به تحمل هفت سال حبس، رد مال مذکور به عنوان رد مال در حق شاکی و معادل آن به عنوان جزای نقدی در حق دولت بابت اتهام خیانت در امانت به تحمل سه سال حبس محکوم شده‌است پرونده حکایت از این دارد که تجدیدنظرخواه به عنوان مسئول فنی و مامور خرید شاکی مقرر بوده تا مواد اولیه لازم جهت تولید وسایل آرایشی و بهداشتی و راه‌اندازی خط تولید کارخانه شاکی خرید نماید شاکی کارت بانکی خود را جهت پرداخت پول خرید مواد و لوازم و همچنین تعدادی چک در فواصل مختلف و متناسب با مبلغ خرید صادر و تحویل تجدیدنظرخواه داده‌است تجدیدنظرخواه به موجب فاکتور فروش به شماره ۵۷۶۰ مورخ ۹۷/۱۰/۲ مبادرت به خرید محصول از شخص حقوقی به نام...

مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ صادره از شعبه ۲۳ تجدیدنظر استان تهران با وجود کلاهبرداری بالاتر از نصاب ریالی بیان شده است و در نتیجه، به عنوان یک جرم اقتصادی و همچنین، دادنامه دیگر به شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۶۸۱ مورخ ۱۳۹۸/۴/۳۱ صادره از همین شعبه تحلیلی فراتر از جرم کلاهبرداری مالی ارائه و استدلال نشده است و اساسا به جنبه اقتصادی بزه مذکور نپرداخته است

به مبلغ ۱/۵۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مسئول فروش فردی به نام ... نموده که تصویر آن در برگ ۲۵ پرونده موجود است فرد مسئول فروش و فاکتور مذکور غیر اصیل بوده که حسب استعلام صورت گرفته برگ ۴۵ پرونده شخص حقوقی به نام کیان البرز پارس وجود خارجی نداشته و تصویر فاکتورهای اصلی خرید در اوراق ۷ و ۶ پرونده با مبلغ کمتر توسط شاکی ارائه گردیده است دادگاه با امعان نظر در محتویات پرونده نظر به اینکه ارکان بزه کلاهبرداری محقق شده است و رکن مادی بزه که عبارت از الف- به کار بردن وسایل متقلبانه با ارائه فاکتور غیر اصیل و ب- فریب مالی‌باخته و نهایتا ج- بردن مال دیگری در پرونده واقع شده است؛ بنابراین، تجدیدنظر خواهی صورت گرفته با هیچ یک از شقوق مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به بزه کلاهبرداری موجود نیست و رسیدگی و اتخاذ تصمیم دادگاه بدوی صحیح بوده با استناد به بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری با لحاظ ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۹۹/۰۲/۲۳ ناظر به بند ب ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی به لحاظ آثار زیان بار در حدود اختیارات قانونی مجازات حبس مشارالیه به ۳ سال تقلیل و اصلاح می گردد ضمنا نسبت به بزه خیانت در امانت دادگاه با عنایت به اینکه ارکان بزه مذکور در پرونده موجود و ملحوظ نیست و اساسا دلیلی بر اینکه مقرر بوده خودروی ۲۰۷ با پول پرداختی شاکی برای وی خرید شود در پرداخت منعکس نیست و مبیعه نامه خرید خودرو هم به نام تجدیدنظر خواه تنظیم شده است؛ بنابراین، امانی بودن ید تجدیدنظر خواه در پرونده مورد تردید است با رعایت بند ب ماده ۴۵۵ قانون مرقوم با پذیرش تجدیدنظر خواهی در این خصوص و نقض دادنامه مذکور در این قسمت با رعایت ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و با استناد به ماده ۴ قانون مرقوم حکم بر برائت تجدیدنظر خواه از اتهام خیانت در امانت صادر و اعلام می گردد، رای صادره حضوری و قطعی است.

۱. - تجدیدنظر خواهی ۱- بانک ... با مدیریت آقایان ... و ... با و کالت مع الواسطه ... ۲- آقای ... با و کالت ... نسبت به دادنامه شماره ۳۰۳۰۰۱۳۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۴ صادره از شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو تهران که در رابطه با شکایت تجدیدنظر خواه ردیف اول بطرفیت تجدیدنظر خواه ردیف دوم و سایر متهمان پرونده داتر بر الف: مشارکت در کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول (بارنامه جعلی) ب- مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع که بابت کلاهبرداری هریک از متهمان به تحمل هفت سال حبس و مشترکا پرداخت ۱۰۱۰۰۰ دلار آمریکا به عنوان رد مال در حق بانک و معادل ریالی مبلغ مذکور به عنوان جزای نقدی در حق صندوق و بابت دو فقره تحصیل مال از طریق نامشروع هر کدام به تحمل دو فقره دو سال حبس تعزیری و مشترکا به پرداخت ۲۰۲/۲۳۶ دلار به عنوان رد مال در یک مورد و ۱/۸۰۳/۷۷۶ دلار و ۵۰ سنت مورد دوم در حق بانک محکوم شده اند دادگاه با امعان نظر در محتویات پرونده، نظر به اینکه تجدیدنظر خواهان ها دلیل و مدرکی که موجبات نقض و بی اعتباری دادنامه موصوف شود ارائه و ابراز نداشته اند و به رسیدگی و اتخاذ تصمیم صورت گرفته خلل قانونی وارد نیست و با عنایت به اینکه تجدیدنظر خواهی بانک ... در دو مورد صورت گرفته است: الف) تضامنی تلقی کردن رد مال متهمان پرونده و ب- مبلغ صحیح رد مال در بخشی از دادنامه ۱/۸۰۳/۷۷۶ دلار و ۵۰ سنت می باشد که در دادنامه ۱/۸۰۳/۷۷۶ دلار و ۵۰ سنت قید شده است. نسبت به بخش الف بیان می گردد: با عنایت به اینکه مسئولیت تضامنی نیاز به تصریح قانون گذار داشته که در امور تجاری این موضوع مورد پذیرش قرار گرفته است اما در امور کیفری این نص موجود نیست و از طرفی با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری؛ بنابراین، تضامنی محاسبه کردن رد مال صحیح نمی باشد نسبت به بخش ب: با عنایت به اینکه مبلغ رد مال در دادنامه بدوی ۱/۸۰۳/۷۷۶ دلار و ۵۰ سنت عینا از مبلغ اعلامی در کیفر خواست قید و نوشته شده است و اتخاذ تصمیم دادگاه بدوی به تبع کیفرخواست و در محدوده آن قانونی بوده است؛ بنابراین، ایراد وارد نیست. نسبت به تجدیدنظر خواهی ردیف دوم که بیان داشته الف- با توجه به ماده ۲ قرارداد رد مال به بانک باید به ریال صورت گیرد نه دلار؛ بنابراین، صدور رای بدوی مبنی به رد مال دلار صحیح نمی باشد ب- حسب نظریات کارشناسی صورت گرفته هیچکدام از امضانات جعلی متعلق به موکل آقای ... نمی باشد نسبت به بخش الف بیان می گردد با توجه به اینکه بانک دلار به حساب ارزی متهمان وارزب نموده است و موضوع جرم کلاهبرداری می باشد؛ بنابراین، رد عین مال برده شده ملاک عمل قرار می گیرد اولاً در نظریه کارشناسان بیان شده است؛ امضاء جعلی است و اساسا برده شده را ملاک عمل قرار می دهد و نسبت به بخش ب بیان می گردد اولاً در نظریه کارشناسان بیان شده است؛ امضاء جعلی است و اساسا اینکه امضاء جعلی توسط چه کسی ایجاد شده است از عهده کارشناسان خارج بوده و با توجه به محتویات پرونده و نظر به انتفاع از امضاء جعلی است که قابلیت انتساب آن را مشخص می کند ثانیاً متهم مالک ۹۰٪ سهام شرکت ... بوده که مبادرت به گشایش حساب اعتباری ارزی و اخذ دلار از بانک پارسیان نموده است؛ بنابراین، با عنایت به مراتب و نظر به اینکه تجدیدنظر خواهی صورت گرفته با هیچ یک از شقوق مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری منطبق نیست؛ بنابراین، با رد تجدیدنظر خواهی صورت گرفته مستندا به بند الف ماده ۴۵۵ قانون مرقوم دادنامه تجدیدنظر خواسته عینا تأیید و استوار می گردد. این رای قطعی است.

و همانند دادنامه به شماره ۱۷۵۳/۱۳۹۹/۹۹ مورخ ۱۹۹۰/۹۹۷۰/۲۲۲۳۰ مورخ ۱۳۹۹/۹/۹ و دادنامه به شماره ۱۷۹۱۲۴۰۵/۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۴ هر دو صادره از شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در کلاهبرداری کمتر از یک میلیارد ریال بوده است، عمل شده است؛ بنابراین، این یکنواختی رویه قضایی در آرای بیان شده، گویای دو نکته می باشد: نخست، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ما جرایم اصلی و با اصلاتی نمی باشند بلکه همان جرایم عمومی اصیل سابق می باشند که برای رویه قضایی واجد اهمیت و اعتنا نمی باشد و دوم، نصاب ریالی مندرج در ماده ۳۶ (یک میلیارد ریال) به عنوان مرز جرایم عمومی و اقتصادی اساسا با وضعیت اقتصادی کشور و رشد تورم لجام گسیخته و افت ارزش پولی سازگار نیست و عرف چنین مبلغی را به عنوان نصاب جرم اقتصادی به رسمیت نمی شناسد؛ از این رو، همانند ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی ضرورت بازنگری دارد.

نتیجه گیری

در قانون برخی از کشورها، به جای ارائه یک تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، به ارائه یک دسته از این جرایم بسنده شده است. پیشنهاد یک دسته بندی از این جرایم نیز نتوانسته است به طور دقیق قلمرو آن را مشخص سازد. یکی از علت های اصلی این امر آن است که ارائه یک دسته بندی

۱. در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ... با وکالت ... نسبت به دادنامه شماره ۴۵۱ مورخ ۹۹/۴/۲۸ در پرونده کلاسه ۹۹۰۱۱۸ صادره از شعبه محترم ۱۰۲۶ دادگاه کیفری دو تهران که ناظر به دادنامه غیابی شماره ۲۵۳ مورخ ۹۹/۳/۱۹ که در رابطه با شکایت خانم ها ۱-۲-۳...-۲...-۱... بطرفیت نامبرده دایر بر کلاهبرداری به تحمل دو سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت و رد مال به شاکیان به شرح دادنامه صادره محکوم شده است دادگاه با امعان نظر در محتویات پرونده نظر به اینکه اولاً محتویات پرونده حکایت از امیدوار کردن شاکیان توسط تجدید نظر خواه به امور غیر واقع (اخذ وام) را دارد ثانیاً پرداخت وجه از طرف شاکیان با عنایت به اقدام از راه حيله و تقلب تجدید نظر خواه و فریب نامبردگان بوده است ثالثاً رکن ضرری که نتیجه عنصر مادی بزه کلاهبرداری می باشد در پرونده محقق و واقع شده است به طوری که هر کدام از شاکیان مبلغی را به نامبرده پرداخت نموده اند نتیجتاً رکن بزه کلاهبرداری تماماً محقق شده است و نظر به این که تجدید نظر خواه در محدوده تجدید نظر خواهی ایراد و دفاع مؤثری از جهات شکلی و ماهیتی مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری باشد، اقامه نموده و از نظر این دادگاه ایضا دادنامه تجدید نظر خواسته منطبق بر موازین قانونی و دلائل موجود در پرونده اصدار یافته و ایرادی که موجب نقض باشد، مشهود نیست؛ بنابراین، با استناد بند الف ماده ۴۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن رد تجدید نظر خواهی صورت گرفته دادنامه تجدید نظر خواسته عیناً تأیید و استوار می گردد. این رأی قطعی است.

۲. تجدید نظر خواهی آقای ... نسبت به دادنامه شماره ۲۲۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ در پرونده کلاسه ۳۵۲ صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان شهریار که به موجب آن در رابطه با شکایت شاکیان به شرح دادنامه بدوی به طرفیت مشارالیه دایر بر کلاهبرداری به تحمل شش ماه حبس، رد مبالغ در حق شاکیان به شرح فهرست دادنامه بدوی در حق شاکیان و معادل مبلغ مذکور به عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت صورت محکوم شده است. دادگاه با امعان نظر در محتویات پرونده، نظر به این که اولاً تجدیدنظر خواه با ساخت پیچ های متعدد و فعالیت در اینستاگرام مبادرت به فروش البسه خارجی به شاکیان نموده است و در قبال آن مبادرت به دریافت پول کرده است. ثانیاً اساساً لباس های عرضه شده در پیچ های مشارالیه وجود خارجی نداشته است؛ بنابراین، بعد از دریافت پول از شاکیان مبادرت به بلاک خط تلفن های نامبردگان نموده است. ثالثاً رکن بزه کلاهبرداری محقق می باشد چرا که مشارالیه نسبت به مالی که وجود خارجی نداشته مبادرت به عرضه و فروش آن نموده است که مصداق بارز بزه کلاهبرداری می باشد؛ بنابراین، نظر به این که تجدیدنظر خواه در محدوده تجدیدنظر خواهی ایراد و دفاع مؤثری که از جهات شکلی و ماهیتی مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری باشد، اقامه ننموده و از نظر این دادگاه ایضا دادنامه تجدیدنظر خواسته منطبق بر موازین قانونی و دلائل موجود در پرونده اصدار یافته و ایرادی که موجب نقض باشد، مشهود نیست در باب جزای نقدی مجموع مبالغ دریافتی که منعکس در دادنامه بدوی شده است منطبق با قانون نمی باشد از این رو به بیشترین مبلغ دریافتی ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تقلیل می یابد و با استناد به ماده ۴۵۷ قانون مرقوم با اصلاح صورت گرفته دادنامه تجدیدنظر خواسته تأیید و استوار می گردد. رأی صادره حضوری و قطعی است.

از این گونه نمونه‌های رفتاری به شدت از منابع عمده اقتصادی هر جامعه متأثر است؛ برای نمونه، ممکن است که در جامعه‌ای مانند ایران، قاچاق نفت، گاز و برخی از مشتقات آنها را جزء جرایم اقتصادی بارز بدانند؛ چراکه اتکای اقتصاد کشور ما به صادرات منابع سوختی فسیلی است اما همین امر در کشور دیگری که اقتصاد آن بر پایه نفت نیست، جرم اقتصادی نباشد یا اینکه از اهمیت آن چنانی برخوردار نباشد. همین موضوع را در سایر جرایم می‌توان دید؛ برای مثال، جرایم رایانه‌ای، به‌طور کلی، در برخی از کشورها به‌عنوان جرم اقتصادی معرفی شده‌است؛ چراکه در برخی از موارد، حملات رایانه‌ای از طریق انتشار برنامه‌های مخرب و موجد اختلال چون ویروس‌های رایانه‌ای ضربه‌ای جبران‌ناپذیر و خسارتی هنگفت را به اقتصاد آنها وارد می‌کند؛ حال آنکه در کشورهایی که استفاده چندانی از شبکه‌های رایانه نمی‌کنند و یا اینکه این استفاده فعلاً در حد محدود است، اطلاق جرایم اقتصادی به این طیف از جرایم چندان مورد قبول نمی‌باشد. نظایر این امر را در سایر موارد نیز می‌توان مشاهده کرد. هر چند که ویژگی‌های طبیعی، اقلیمی و صنعتی هر کشور در نهایت، مصداق‌های جرم اقتصادی را نسبی نشان می‌دهد ولی خواه‌ناخواه نسبت مصداق در نسبت مفهوم نیز تأثیرگذار است و از این رو، فعل یا ترک فعلی که در کشوری مانند ایران مشهور به جرم اقتصادی است، لزوماً در کشور دیگر این چنین نیست.

علاوه بر منابع اقتصادی، عامل مهم دیگری که در تبیین قلمرو جرایم اقتصادی بسیار موثر است، نظام اقتصادی کشورهاست؛ نظام‌های اقتصادی دنیا را به‌طور کلی، به سه نظام اقتصاد باز یا لیبرال، بسته یا دولتی و نیز ترکیبی از این دو، یعنی مختلط تقسیم کرده‌اند. بر این اساس، به‌عنوان مثال، اقتصاد کشور آمریکا به سمت آزاد بودن و اقتصاد کشور چین به سمت دولتی بودن گرایش دارد. خط‌مشی و نظام اقتصادی هر کشور به هر سو که تمایل بیشتری داشته باشد، جرایم اقتصادی نیز از آن نظام تأثیر بیشتری می‌گیرد؛ وانگهی، این دیدگاه ما را به آن می‌رساند که در حوزه جرایم اقتصادی، منابع اقتصادی بومی بسیار اهمیت دارد و این امر تأثیر خود را در بومی شدن جرایم اقتصادی نیز بر جای می‌گذارد. از این رو، معیار ضرر و کلان بودن آن، راه را برای تمیز جرایم اقتصادی از سایر جرایم هموار نموده‌است اما همچنان چند نکته اصلی در تعیین مصداق جرایم اقتصادی وجود دارد؛ اول اینکه، در تعیین مصداق جرایم اقتصادی، منابع اقتصادی بومی کشور باید مد نظر اصلی مقنن در جرم‌انگاری این دسته از جرایم قرار گیرد؛ چراکه این جرایم در وهله اول، امنیت اقتصادی کشور یا اقتصاد ملی را نشانه گرفته‌است؛ بنابراین، برای حمایت از اقتصاد ملی، ما نیازمند جرم‌انگاری بر مبنای اقتصاد ملی می‌باشیم. دوم اینکه، در جرم‌انگاری این دسته از جرایم،

کلان بودن آسیب و ضرر را باید مورد توجه قرار داد؛ از این رو، تعیین نصاب ربالی مندرج در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی که در آن، به عنوان ضابطه مبلغی توسط مقنن بیان شده است، نیاز به بازنگری دارد. سوم اینکه، مقنن در تعیین مصادیق جرایم اقتصادی از یک ضابطه مشخص پیروی ننموده است؛ به نحوی که در برخی جرایم از جمله کلاهبرداری و اختلاس، مال موضوع جرم می باشد و مرتکب با انجام این جرایم به دنبال تصاحب مال غیر می باشد؛ در حالی که در جرم دیگر مانند ارتشاء، مال وسیله جرم می باشد و مرتکب از مال در جهت پیشبرد کار خلاف قانون خود بهره می برد. چهارم اینکه، این جرایم به نحو تخصصی در رابطه با حوزه کسب و کار نمی باشند؛ در صورتی که ضرورت دارد که در جرم انگاری جرایم اقتصادی، جرایم مربوط به حوزه کسب و کار را ملاک قرار می دادیم و بازخوانی همان جرایم عمومی به عنوان جرایم اقتصادی روش صحیحی در جرم انگاری این جرایم و حمایت حقوق کیفری از اقتصاد نمی باشد. به بیان دیگر، مصادیق فهرست شده در جرایم اقتصادی همگی سابقاً جرم بوده اند و شناسایی مجدد آنها به عنوان جرم اقتصادی منجر به حمایت حقوق کیفری از حوزه اقتصاد نمی شود. از این رو، پیشنهاد مقاله حاضر، تعیین و شناسایی جرایم مربوط به حوزه کسب و کار، پولی، بانکی به نحو تخصصی به منظور تمیز دادن جرایم اقتصادی از جرایم عمومی و بانکی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام؛ صادق نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲)، "تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی"، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۸ - ۳۱
- توسلی زاده، توران (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل
- جعفری، امین (۱۳۸۶). "اسرار حرفه ای و حقوق کیفری اقتصادی و تجاری"، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۲ - ۴۰
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرایم اقتصادی از اقدام های قضایی تا اقدام های اجرایی، در: مجموعه سخنرانی های ارائه شده در نخستین همایش مالی پیشگیری از وقوع جرم، به کوشش محمد فرجی ها و سید محمد حسین سرکشیکیان، چاپخانه معاونت آموزش ناجا
- حطمی، ایمان (۱۴۰۰)، جرایم اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات جنگل
- حطمی، ایمان (۱۳۹۸)، "تحلیل علل جرایم اقتصادی در ایران در پرتو نظریه های جرم شناسی"

اقتصادی"، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۳۴ - ۵۶
 -فرجی ها، محمد؛ مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۲)، پاسخ های کیفری عوام گرایانه به مقاسد اقتصادی،
 دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، تهران، نشر میزان
 -محمد علیخانی، ابوالفضل (۱۴۰۰)، "عناصر ضرر در جرایم مالی در حقوق کیفری ایران و انگلستان"،
 پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
 -محمد علیخانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، "جرایم سازمان یافته در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز"،
 پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
 -نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات جنگل

منابع انگلیسی

-Bunic,Dragon.(2010), Criminalstigue e conomgue, tom1,ed,je purjlic
 -Dressler, Joshua, edition Chief(2002), Encyclopedia of Crime And Justice,
 volume2 ,Macmillan Refrence USA, Gale Group,p583
 -Lindqrensven, A. K. E(2001) ,white collar crime Rasearch:old riewsandfu-
 ture potential Thinking about white-collar crime the national council for crime
 prevention Sweden
 -Queloz,Nicolas(1999),criminaliteeconomigueetcriminaliterganisee:Comment
 Les differencir? Collection Criminology,crime. info
 -Theophilus O, Akilnboesg(2009), Understanding Economic And Financial
 Crime, EFCC/NYSC Integrity club